



Exceptions to Public Proceedings in Criminal Jurisprudence, Iranian Criminal Law, Human Rights Documents and International Criminal Law

Maryam Beyranvand¹, Masoud Ghasemi^{*2}, Yazdan Nosrati³

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 67-80

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-3536-8214

TELL: +9889185828973

Email: md.ghasemi@yahoo.com

Article history:

Received: 19 May 2023

Revised: 06 Aug 2023

Accepted: 16 Aug 2023

Published online: 23 Sep 2023

Keywords:

Public Proceedings, Criminal Jurisprudence, Public Order, Privacy, Witnesses, International Criminal Court.

ABSTRACT

Public proceedings are one of the principles of fair proceedings, the limitations and exceptions of which are of great importance and sensitivity. The nature of these limitations and exceptions are important issues that have received less attention in the shadow of the principle of public proceedings. The purpose of this article is to examine the exceptions of public proceedings in criminal jurisprudence, Iranian criminal law, human rights documents and international criminal law. This article is descriptive and analytical, and the library method is used to investigate the mentioned topic. The findings indicate that in jurisprudence, the acceptance of the principle of public proceedings can be inferred, but there is no mention of its exceptions. In Iranian criminal law, at the discretion of the court and in cases such as children's court, public decency, public order and security, religious or ethnic sentiments, and private lawsuits, if the parties to the lawsuit request, the proceedings are closed. In human rights documents, ethics and public order and national security of governments are exceptions to public proceedings. In the statutes of international criminal courts, issues such as public order or morality and security, protection of witnesses and victims, compliance with the expediency of justice, and protection of documents and information are exceptions to public proceedings. Although in international documents, these exceptions are stated in a general way, but the general and non-transparent statement of these exceptions in the domestic laws of countries, including Iran, cannot be defended.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Beyranvand, M; Ghasemi, M & Nosrati, Y (2023). " Exceptions to Public Proceedings in Criminal Jurisprudence, Iranian Criminal Law, Human Rights Documents and International Criminal Law" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(3): 67-80.



دوره سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

استثنائات دادرسی علنی در فقه جزایی، حقوق کیفری ایران، اسناد حقوق بشری و حقوق کیفری بین‌المللی

مریم بیرانوند^۱، مسعود قاسمی^{۲*}، یزدان نصرتی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

دادرسی علنی از اصول دادرسی عادلانه است که محدودیت‌ها و استثنائات آن از اهمیت و حساسیت بالایی برخوردار است. چپستی و ماهیت این محدودیت‌ها و استثنائات از موضوعات مهمی است که در سایه خود اصل دادرسی علنی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هدف مقاله حاضر بررسی استثنائات دادرسی علنی در فقه‌جزایی، حقوق کیفری ایران، اسناد حقوق بشری و حقوق کیفری بین‌المللی است. این مقاله توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای برای بررسی موضوع مورد اشاره استفاده شده است. یافته‌های بر این امر دلالت دارد که در فقه، پذیرش اصل دادرسی علنی قابل استنباط است اما درخصوص استثنائات آن سخنی به میان نیامده است. در حقوق کیفری ایران به تشخیص دادگاه و در مواردی چون دادگاه اطفال، عفت‌عمومی، نظم و امنیت عمومی، احساسات مذهبی یا قومی و دعاوی خصوصی در شرایطی که طرفین دعا تقاضا کنند دادرسی غیرعلنی است. در اسناد حقوق بشری نیز اخلاق و نظم عمومی و امنیت ملی دولت‌ها از استثنائات دادرسی علنی است. در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز مواردی چون نظم عمومی یا اخلاق و امنیت، حمایت از شهود و قربانیان و رعایت مصلحت، عدالت و حفاظت از مدارک و اطلاعات از استثنائات دادرسی علنی است. اگرچه در اسناد بین‌المللی، این استثنائات به صورت کلی بیان شده است، اما بیان کلی و غیرشفاف این استثنائات در قوانین داخلی کشورها از جمله ایران، قابل دفاع نمی‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۷-۸۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۸۲۱۴-۳۵۳۶-۰۰۰۲-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۸۵۸۲۸۹۷۳

ایمیل: md.ghasemi@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

دادرسی علنی، فقه جزا، نظم عمومی، حریم خصوصی، شهود، دیوان کیفری بین‌المللی.



مقدمه

علنی بودن دادرسی یکی از معیارهای اساسی محاکمه منصفانه محسوب می‌شود. «دادرسی علنی یکی از بهترین شیوه‌های نظارت بر دستگاه قضایی، حضور مردم در جلسه‌های دادگاه و ارزیابی صحت و سقم جریان محاکمه از سوی آن‌هاست. این امر می‌تواند موجب ارتقای اعتماد جامعه نسبت به نظام عدالت‌کیفری شود و در پی آن امنیت قضایی افراد به نحو شایسته‌ای تضمین خواهد شد» (آشوری و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۹۵). اصل علنی بودن رسیدگی، اصل مطلق به‌شمار نمی‌رود و گاهی اوقات وجود مصالحی، اجرای آن را با محدودیت روبه‌رو می‌کند و بنابراین همواره با استثنائاتی روبه‌رو بوده است. اما مسأله مورد بحث در این مقاله این است که دامنه و گستره اصل دادرسی علنی تا کجا است؟ به عبارتی اصل دادرسی علنی به‌عنوان یکی از عناصر دادرسی عادلانه با چه محدودیت‌هایی مواجه است.

آنچه بررسی این مسأله را ضروری ساخته است، اهمیت اصل دادرسی علنی و دغدغه‌مندی درخصوص محدودیت‌هایی است که ممکن است خود اصل و به تبع آن دادرسی عادلانه را کاملاً تحت تأثیر قرار دهد. ضرورت و اهمیت بررسی استثنائات اصل دادرسی علنی از این جهت اهمیت دوچندان دارد که علنی بودن محاکمات موجب نظارت مردمی بر جریان برگزاری محاکمه و در نتیجه تضمین حقوق دادخواهی و دفاع است. سری بودن محاکمات در دادگاه‌ها منجر به تضییع حقوق اشخاص می‌گردد. «در دادرسی‌های سری به دلیل اینکه از کنترل اذهان عمومی خارج هستند، به‌آسانی می‌توان از اجرای عدالت خودداری کرد که موجبات بدبینی شهروندان را فراهم می‌نماید» (آخوندی، ۱۳۹۳: ۲۱۵/۴). مطابق دادرسی علنی در این اثنا محاکم و دادگاه‌ها موظف به ارائه اطلاعاتی راجع به زمان و محل محاکمه علنی قابل دسترسی می‌باشند و همچنین باید تسهیلات کافی جهت حضور اعضای ذینفع جامعه با محدودیت‌های معقول تمهید نمایند.

درخصوص دادرسی علنی پژوهش‌های متعددی انجام شده است: علی‌خالقی در مقاله‌ای، علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی را مورد بررسی قرار داده است (خالقی، ۱۳۸۳). مصطفی فضائی نیز در مقاله‌ای، جایگاه و

اصول دادرسی عادلانه در حقوق بشر و دکتترین قضایی اسلام را بررسی کرده است (فضائی، ۱۳۹۳). همچنین وحید خدائی، قوام‌کریمی و محمداقرعمری نیا، در مقاله‌ای، اصل علنی بودن دادرسی در حقوق ایران، فقه اسلامی و حقوق انگلیس را مورد بررسی قرار داده است (خدائی و همکاران، ۱۴۰۰). اما در این مقاله به بررسی استثنائات اصلی دادرسی علنی پرداخته می‌شود و این نوآوری مقاله حاضر است. بر اساس آنچه گفته شد سؤال پژوهش بدین شکل قابل طرح است که استثنائات دادرسی علنی در فقه‌جزایی، حقوق کیفری ایران، اسناد حقوق بشری و حقوق کیفری بین‌المللی کدام است؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا مفهوم دادرسی علنی بررسی شده، سپس به بررسی دادرسی علنی و استثنائات آن در فقه جزایی، حقوق کیفری ایران، اسناد حقوق بشری و حقوق کیفری بین‌المللی پرداخته شده است.

۱- مفهوم دادرسی علنی

علنی بودن دادرسی عبارت است از عدم ایجاد مانع برای حضور افراد و رسانه‌ها در جلسات دادگاه و از معیارهای اساسی دادرسی منصفانه به‌شمار می‌رود. رسیدگی علنی به این معناست که نه تنها طرفین یک پرونده بلکه عامه مردم نیز حق حضور در دادرسی را دارند (جزایری، ۱۳۹۸: ۱۲۰). تبصره ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ عنوان نموده است: «منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است». به اعتقاد بسیاری از حقوق دانان، دادرسی علنی از تضمین‌های مهم حقوق دفاعی متهم است (خالقی، ۱۳۸۳: ۳۸).

از علنی بودن دادرسی دو معنا قابل برداشت است: نخست اینکه همگان بتوانند در جریان جلسه دادرسی قرار گرفته و در صورت لزوم در جلسه دادرسی حضور پیدا کنند و معنای دوم اینکه رأی صادر شده و اسناد و مدارکی که بر اساس آن‌ها، رأی صادر شده است در اختیار عموم قرار گیرد. علنی بودن رسیدگی‌ها متضمن نظارت مستمر همگانی بر روند رسیدگی‌ها و اعمال مراجع حل اختلاف و اطلاع عموم از صحت و سقم رسیدگی‌ها و تصمیمات آن مراجع و در نتیجه الزام مراجع به دقت در عمل به وظایف خود و رعایت حقوق

علنی بودن دادگاه‌ها می‌تواند تا حدود زیادی رعایت اصول و تشریفات دادرسی را تضمین نماید. همین‌که قاضی بداند که عملکرد او توسط رسانه‌ها و مردم مشاهده می‌شود، تأثیر بازدارنده در نقض مقررات دادرسی دارد و به این جهت سبب افزایش احساس امنیت قضایی خواهد شد.

۲- دادرسی علنی در فقه‌جزایی و استثنائات آن

در شریعت اسلامی تکلیفی در مورد برگزاری دادرسی به صورت علنی به صراحت مورد بحث واقع نشده؛ ولی باملاحظه در سیره قضایی معصومان علیهم‌السلام، می‌توان گفت که دادرسی‌های فروانی از آن‌ها وجود دارد که در حضور مردم انجام شده است چنان‌که «حضرت علی (ع) جلسات دادرسی و محاکمه افراد را در مسجد جامع کوفه ترتیب می‌دادند» (نجفی، ۱۳۹۲: ۲۳۱/۱۲). همچنان که مؤلفان نظام دادرسی استنباط کرده‌اند، فلسفه جلسات دادرسی در مسجد رعایت اصل علنی بودن و تسهیل حضور مردم در جلسه دادرسی بوده است (مؤذن‌زادگان، ۱۳۷۹: ۴۴).

درواقع در رویه اسلامی همواره بر علنی بودن رسیدگی‌ها صحه گذاشته دادند. شده است. حضرت علی (ع) جلسات دادرسی و محاکمه افراد را در مسجد جامع کوفه ترتیب می‌دادند. همچنان که مؤلفان نظام دادرسی استنباط کرده‌اند، فلسفه جلسات دادرسی در مسجد رعایت اصل علنی بودن و تسهیل حضور مردم در جلسه دادرسی بوده است به همین جهت فقهای امامیه به منظور اعمال کامل اصل مزبور حاجب را هنگام جلسه دادرسی مکروه دانسته‌اند (مؤذن‌زادگان، ۱۳۷۹: ۳۴).

ازجمله دلایل فقهی که علنی بودن دادرسی را مستحب اعلام داشته است این است که: «مستحب است قاضی در فضایی باز بنشیند تا دسترسی به او آسان باشد، یا در جلسه دادرسی دانشمندان را شرکت دهد یا در جلسه دادرسی افراد عادل باشند» (شهید اول، ۱۴۱۷: ۱۶۷). این سخن به معنای و تأکید بر علنی بودن دادرسی است. به عبارت دقیق‌تر، فقهای اسلام فتوایی مبنی بر لزوم رعایت این اصل هنگام دادرسی ندارند؛ اما به طریق تضمینی می‌توان نظر آن‌ها را بر مسلم بودن این اصل در اسلام به دست آورد. این ادعا با رجوع به نکاتی که

افراد در رسیدگی منصفانه می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۷: ۴۰۹). علنی بودن محاکمات یکی از راه‌های تضمین امنیت قضایی است، زیرا قاضی همواره قضاوت و تصمیم خود را در معرض افکار عمومی می‌بیند و دقت فراوانی به خرج می‌دهد (صبری، ۱۳۹۴: ۵۶). این اصل به دلیل اهمیتی که دارد یکی از اصول قانون اساسی را به خود اختصاص داده است.

علنی بودن دادرسی به معنای گشودن دادگاه و فرآیند قضائی به روی مردم است. علنی بودن دادرسی کیفری یکی از خصوصیات مهم آن است. براساس این قاعده دادگاه‌ها باید به طور علنی به اتهام وارد به متهم رسیدگی کند؛ به موجب این خصوصیت حضور و نظارت افراد در جریان برگزاری محاکمه آزاد است. رسانه‌های گروهی می‌توانند ضمن حضور در محاکمات و تهیه گزارش و خبر برای روشن شدن افکار عمومی مبادرت ورزند. علنی بودن محاکمات نوعی نظارت مردمی برای محافظه کیفیت تحقیق اجرای عدالت احقاق حقوق متضرر از جرم، رعایت حقوق دفاعی متهم و نیز تأمین منافع جامعه در تعقیب بزهکاران است (مؤذن‌زادگان، ۱۳۷۳: ۲۷۹). رسیدگی علنی به عنوان یک تضمین اساسی برای عادلانه بودن و استقلال روند قضایی است و ابزاری حمایتی برای اعتماد عمومی و نظام قضایی است علنی بودن دادرسی از این جهت حائز اهمیت است که منصفانه بودن دادرسی و استقلال و بی طرفی قاضی را تضمین می‌کند و به دلیل اینکه اجرای عدالت کیفری را از نظر عموم مردم عینی‌تر و ملموس‌تر می‌کند، باعث می‌شود که اعتماد مردم نسبت به سیستم عدالت کیفری حفظ شود؛ علاوه بر این علنی بودن دادرسی درحقیقت یک نوع مکانیسم قضایی نظارتی مستقیم و مردمی بر جریان دادرسی بوده و زمینه را برای تحقق سیاست جنایی مشارکتی فراهم می‌کند علنی بودن دادرسی هم در دادرسی‌های مدنی و هم محاکمات کیفری باید رعایت شود لیکن بدیهی است در محاکمات کیفری از اهمیت و ضرورتی به مراتب بیشتر برخوردار است، به گونه‌ای که امکان دسترسی عموم یک عنصر انکارناپذیری بوده و اصولاً «محاکمه نمی‌تواند بسته و سری باشد. اصل علنی بودن دادرسی متکلف دو مصلحت، است یکی حمایت از متهم در برابر محاکمات سری و دیگری جلب اعتماد عمومی است» (فضائلی، ۱۳۸۸: ۳۱۴).

با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام و یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا خانوادگی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی یا مشتکی عنه باشد منتشر کند. تخلف از قسمت اخیر این تبصره در حکم افترا است.

گرچه برابر ماده ۳۵۲ قانون آ.د.ک، اصل بر علنی بودن محاکمات بوده، مگر در جرایم قابل گذشت که طرفین یا شاکی غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند باین وجود به تجویز همان ماده دادگاه پس از اظهار عقیده، دادستان قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می کند: الف) امور خانوادگی و جرایمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است. ب) علنی بودن محل امنیت عمومی و یا احساسات مذهبی یا قومی باشد (روحانی جنبه سرائی، ۱۳۹۶: ۷۱). همچنین قانون گذار در بند ۳ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری غیرعلنی بودن محاکمه را در صورتی می داند که محل امنیت یا احساسات مذهبی باشد. در این خصوص با توجه به نص صریح اصل ۱۶۵ و بند ۳ ماده فوق الذکر می توان چنین اظهار کرد که قانون گذار محل امنیت بودن یک پرونده را فقط از اختیارات دادگاه رسیدگی کننده می داند و حتی این مورد را از اختیارات رئیس حوزه قضایی یا رئیس قوه قضائیه قرار نداده است.

۳-۱- دعاوی خصوص و امور خانوادگی

اصل علنی بودن دادرسی ها، در جدال با حق ارزشمند دیگری بنام حق بر حریم خصوصی قرار دارد. علت این امر آن است که جدای از برخی استثنائات، مردم می توانند در هر دادرسی که بخواهند حضور داشته باشند، در مورد اسناد دادگاه مطالعه و رأی دادگاه را بررسی کنند، بدون توجه به این مهم که ممکن است موضوع مربوط به جزئیات خودمانی یا شرم آور زندگی طرفین دعوا یا شهود باشد. از این رو گفته شده است که به نظر می رسد اشخاص عرفاً در صورت متهم شدن به ارتکاب جرم، مایل نیستند که همگان از آن مطلع شوند و اطلاعات مربوط به این زمینه اعم از اصل اتهام و موضوع آن را، جزو اطلاعات شخصی و حریم خصوصی خود می شناسند (خالقی، ۱۳۹۸: ۲۲).

به عنوان آداب و تشریفات قضا اشاره دارند، ثابت می شود. شیخ طوسی در این باره می نویسد: «هرگاه قاضی بخواهد میان مردم به قضاوت بپردازد مستحب است که این کار را در محلی که برای مردم معلوم و مشخص باشد، مثل محلی وسیع و فراخ انجام دهد تا هر نیازمندی بدون هیچ زحمتی به او دسترسی داشته باشد» و در ادامه می افزاید: «برای قاضی مستحب است که هر کس بتواند به محل جلسه دادرسی او دسترسی پیدا کند و نگرهبانی برای ممانعت مردم از ورود به آنجا نگمارد» (طوسی، ۱۴۲۱: ۸۷/۸). کلام این دو فقیه در این معنا ظهور دارد که قاضی باید این امکان را فراهم کند تا شهروندان بتوانند در جلسه دادرسی حضور داشته باشند و با قرار دادن دربان مانع حضور آنها در جریان دادرسی نشود. در خصوص استثنائات دادرسی علنی اما در فقه نمی توان به نتیجه ای رسید. به ویژه آنکه در فقه به خود اصل دادرسی علنی نیز به صورت مستقیم اشاره ای نشده و عمدتاً از رویه دادرسی در سیره حضرت علی (ع) می توان بر پذیرش آن از سوی فقه صحنه گذاشت.

۳-۲- دادرسی علنی در حقوق کیفری ایران و استثنائات آن

مطابق اصل ۱۶۵ قانون اساسی و مواد ۳۵۲ و ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری؛ اصل بر علنی بودن محاکمات می باشد، مگر به استثناء قانون. معنای علنی؛ مصادف با شفافیت و حضور آزادانه رسانه ها و شهروندان در جلسات دادگاه در پرتو تبعیت از تمام شرایط علنی بودن می باشد. مساوی با بند سوم از نامه رئیس قوه قضائیه، استثناء بر اصل مقدم گشته و اصل برگزاری علنی دادگاه ها تحت عنوان امری استثنایی و نادر در حوزه تشخیص و صلاح دید قاضی پنهان است. بنابر اصل ۱۶۵ قانون اساسی محاکمه ها باید علنی برگزار شود و در اصل ۱۰۸ قانون اساسی رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی و با حضور هیأت منصفه است. در واقع، قانون گذار ایران در اصل ۱۶۵ قانون اساسی و تبصره ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری منظور از علنی بودن محاکمه را عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در دادگاه دانسته است. همچنین براساس تبصره ۱ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری که ناظر به اصل ۱۶۵ قانون اساسی است، «منظور از علنی بودن محاکمه عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است. خبرنگاران رسانه های گروهی می توانند

به عنوان استثنایی بر حریم خصوصی مجاز دانسته شده است (خاکزاد، ۱۳۸۹: ۳۲).

ثانیاً توجه به این نکته حائز اهمیت است که دادرسی علنی صرفاً حق طرفین دعوا و به خصوص متهم نیست که با درخواست آنان بتوان دادرسی را پشت درهای بسته برگزار کرد بلکه حق مردم یک جامعه نیز است و به همین دلیل جز در دعای خصوصی که با درخواست طرفین می توان دادرسی را غیر علنی برگزار کرد، در سایر موارد چنین درخواستی نمی تواند مورد قبول مرجع رسیدگی قرار بگیرد. بر این اساس، دادگاه حتی با رضایت طرفین دعوا نمی تواند به صورت غیر علنی برگزار شود، زیرا علنی بودن دادرسی صرفاً وسیله ای برای حمایت از حقوق شخصی متهم، نیست بلکه وسیله ای برای بهبود کیفیت شهادت و عملکرد قضات و کارمندان دادگاه نیز است (حاجی پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۷۸).

ثالثاً نباید فراموش کرد که استثنائات این اصل بنیادین نادرند و به صورت محدود تعریف شده اند و قانون گذاران کشورها نیز صرفاً زمانی که آثار مفید محدود کردن دادرسی علنی بیشتر از تأثیرات مفید آن بر حقوق و منافع طرفین دعوا و عموم مردم باشد اقدام به استقرار استثنا بر دادرسی علنی می نمایند. باین حال، مغایرت دادرسی علنی با حق بر حریم خصوصی در دایره استثنائات اصل علنی بودن دادرسی ها گنجانده نشده است و نمی توان این امر را در ردیف استثنائات اصل مذکور وارد کرد.

۳-۲- جرایمی منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه

اصل ۱۶۵ قانون اساسی، یکی از استثنائات علنی بودن رسیدگی را هنگامی دانسته است که به تشخیص دادگاه، علنی بودن، منافی عفت عمومی باشد. بند الف ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، رسیدگی به اعمال منافی عفت و جرایمی که برخلاف اخلاق حسنه باشند را به تشخیص دادگاه بعد از اظهار عقیده دادستان از جهات غیر علنی بودن رسیدگی اعلام کرده است. متأسفانه، اعمال منافی عفت در قانون ما تعریف نشده است. قانون گذار ایران به جای اینکه اعمال منافی عفت را تعریف نماید تا مصادیق آن روشن شود، برخی از مصادیق آن را ذکر کرده تا تعریف

منطق حقوقی و رعایت حقوق و حیثیت افراد ایجاب می کند که ابتکار عمل در تعیین علنی یا غیر علنی بودن محکمه به اصحاب دعوا سپرده شود و حتی در صورت تعارض خواست طرفین دعوا، به نظر می رسد باید خواست طرفی را که طالب غیر علنی بودن دادگاه می باشد مقدم شمرده و آن را مالک تصمیم دادگاه در غیر علنی کردن محکمه دانست؛ از آن روی که نفس شرمندگی حاصل از علنی بودن دادگاه، ممکن است مجازاتی سنگین تر از محکومیت احتمالی توسط دادگاه برای متهم را در پی داشته باشد (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۲۴۱).

در مقام تحلیل و ارزیابی ایرادات مذکور چندان موجه به نظر نمی رسد و نمی توان با توسل به آن مانعی بر سر راه اصل علنی بودن دادرسی ها ایجاد کرد زیرا:

اولاً حق بر حریم خصوصی در شرایط زندگی عادی اشخاص شناسایی شده و در چنین شرایطی بر ممنوعیت بازرسی و نظارت بر زندگی خصوصی و عدم افشای اسرار شخصی آن ها تأکید شده است لذا در مواردی که افراد با انجام جرم علیه ارزش های اجتماعی و قوانین موجود شوریده اند و باید محاکمه و مجازات شوند، نمی توانند با ادعای حق بر حریم خصوصی مانع برگزاری دادرسی علنی شوند (حاجی پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۷۷). بر این مبنا، همان گونه که اشاره شد فلسفه حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری صرفاً حمایت از اشخاص و حقوق و منافع آن ها نیست که با ادعای حق بر حریم خصوصی به عنوان یکی از حقوق شناخته شده، بتوان اصل علنی بودن دادرسی ها را محدود کرد بلکه جامعه نیز به دلیل اینکه از انجام جرم لطمه دیده و تحت تأثیر قرار گرفته است، حق دارد روند رسیدگی به اتهامات را به نظاره بنشیند و با این امر مصالح و منافع موجود در بطن دادرسی علنی نیز محقق می شود. از این رو دادرسی زمانی عادلانه خواهد بود که بتواند به حفظ توازن میان مصالح جامعه و متهم بپردازد. بنابراین حریم خصوصی نمی تواند حق مطلق محسوب شود و در نتیجه، تنها معیاری که مداخله در حقوق بشر از جمله حفظ حریم خصوصی را در مواردی موجه می داند منافع عمومی است. ارتکاب جرم اقدامی علیه منافع عمومی محسوب می شود و به دلیل دارا بودن چنین ویژگی ای افشای آن

آن مشخص گردد. این روش را تعریف به مصداق می‌گویند (آخوندی، ۱۳۸۲: ۱۹). در تبصره ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ مقرر شده است: «منظور از جرایم منافی عفت در این قانون، جرایم جنسی حدی همچنین جرایم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است».

رویه حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۳۶۲۴ مورخه ۱۳۸۴/۶/۶ خود بیان داشته «در تعریف جرایم منافی عفت می‌توان گفت: جرایمی است که ناشی از روابط نامشروع و خارج از علقه زوجیت زن و مرد و برحسب عرف جامعه قبیح بوده یا اعمالی است که شرع مقدس ممنوع کرده و منافی عفت یا اخلاق عمومی جامعه است که از مصادیق آن روابط نامشروع زن و مرد یا تظاهر به فسق در انتظار عمومی است» (ایرانی ارباطی، ۱۳۸۶: ۲۸۲/۱).

به‌عنوان یک نکته مهم باید گفت که بین این موضوع که علنی بودن رسیدگی با عفت عمومی منافات داشته باشد و اینکه امر مورد رسیدگی عمل منافی عفت باشد، تفاوت وجود دارد. مثلاً ارتباط نامشروع با عمل منافی عفت مثل تقبیل و مضاجعه بین زن و مرد اجنبی (موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی)، عمل منافی عفت تلقی می‌گردد که باید به‌صورت غیرعلنی رسیدگی گردد. اما ممکن است امر مورد رسیدگی منافی عفت نباشد، اما علنی بودن رسیدگی به آن با عفت عمومی منافات داشته باشد. مثلاً دایر کردن مراکز فساد و فحشا (موضوع ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی) عمل منافی عفت در معنای خاص آن تلقی نمی‌گردد، اما چون رسیدگی علنی به آن با عفت عمومی منافات دارد، باید به‌طور غیرعلنی رسیدگی گردد. یا مثلاً ممکن است در یک پرونده قتل، بیان جزئیات مربوط به قتل، عفت عمومی را جریحه‌دار نماید.

بند الف ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ علاوه بر اعمال منافی عفت، رسیدگی امور برخلاف اخلاق حسنه را نیز جزء استثنائات علنی بودن رسیدگی آورده است. در متون قانونی ما، اخلاق حسنه تعریف نشده است. «اخلاق حسنه حداقل موازین اخلاقی است که از نظر متعارف مردم یک‌قوم یا سکنه یک‌کشور نقض آن‌ها ناپسند شمرده شود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۲۱۹/۱).

بین مفهوم عمل منافی عفت و امور برخلاف اخلاق حسنه، رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است؛ یعنی هر عمل منافی عفت برخلاف اخلاق حسنه است، لیکن برخی از جرایم برخلاف اخلاق حسنه، جزء اعمال منافی عفت هستند و برخی دیگر نیستند؛ یعنی در برخی موارد بین مصادیق آن‌ها هم‌پوشانی وجود دارد. مثلاً زنا یا لواط هم عمل منافی عفت تلقی می‌شوند و هم در زمره جرایم برخلاف اخلاق حسنه می‌باشند، اما مثلاً کذب یا قماربازی، جرایم برخلاف اخلاق حسنه هستند، اما منافی عفت نیستند. به‌عنوان یک نکته مهم باید گفت، نمی‌توان این‌گونه استدلال کرد که چون ارتکاب همه جرایم به‌نوعی برخلاف اخلاق حسنه است، پس باید رسیدگی به تمام جرایم به‌صورت غیرعلنی باشد. مثلاً احترام به اموال دیگران، جزء اخلاق حسنه بوده و هرگونه تعدی و تجاوز به اموال و مالکیت دیگران برخلاف اخلاق حسنه است، اما نمی‌توان گفت که رسیدگی به جرایم علیه اموال باید به‌صورت غیرعلنی باشد (محبی، ۱۳۹۲: ۵۸)؛ زیرا براساس این استدلال، فلسفه وجودی ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری نادیده گرفته می‌شود؛ چون دیگر نیازی به وضع چنین ماده قانونی وجود نداشت و قانون‌گذار به‌صراحت اعلام می‌نمود که رسیدگی به تمام جرایم به دلیل مخالف بودن با اخلاق حسنه غیرعلنی است؛ بنابراین بهترین راه‌حل این است که دایره شمول جرایم برخلاف اخلاق حسنه از این حیث محدود گردد.

۳-۳- امنیت عمومی و احساسات مذهبی یا قومی

اصل ۱۶۵ قانون اساسی بیان داشته که چنانچه علنی بودن رسیدگی بانظم عمومی منافات داشته باشد به تشخیص دادگاه، رسیدگی غیرعلنی می‌باشد. بند ب ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز مقرر کرده که اگر علنی بودن مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد، رسیدگی به تشخیص دادگاه غیرعلنی خواهد بود. شاید هدف قانون‌گذار عادی این بوده که حکم کلی مندرج در اصل ۱۶۵ قانون اساسی و مفهوم نظم عمومی را تبیین کند و به همین دلیل به‌جای نظم عمومی از امنیت یا احساسات مذهبی سخن گفته است؛ به‌عبارت دیگر شاید در نظر قانون‌گذار هر جرم امنیتی و مخل احساسات مذهبی برخلاف نظم عمومی

مذهبی و قومی ممکن است از شهری به شهر دیگر و از استانی به استان دیگر متفاوت باشد. به علاوه ایراد اساسی دیگر آن است که احساسات با اعتقادات متفاوت است و علی القاعده قانون‌گذار باید بر اعتقادات تأکید کند و نه احساسات؛ زیرا ممکن است که احساسات مغایر با اعتقادات دینی و مذهبی باشد و از انحرافات باشد نه اعتقادات مذهبی (گلدوست جویباری، ۱۳۹۴: ۱۴۶).

درخصوص جریحه‌دارکردن احساسات مذهبی می‌توان به توهین به مقدسات یا سب‌النبی اشاره کرد (موضوع ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی) که گاه طرح و تکرار گفتارهای متهم، ممکن است احساسات مذهبی مردم را بیش‌ازپیش جریحه‌دار نماید و از این حیث بهتر است که محاکمه به‌صورت غیرعلنی انجام گیرد.

۳-۴- جرایم اطفال

یکی دیگر از استثنائاتی که در قانون آیین دادرسی کیفری بر علنی بودن رسیدگی وارد شده است، رسیدگی به جرایم اطفال است که باید به‌صورت غیرعلنی برگزار گردد. در سال ۱۳۹۲ نیز با تدوین قانون آیین دادرسی کیفری موادی به رسیدگی به جرایم اطفال اختصاص داده شده است. فصل ششم این قانون به رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان پرداخته است که مواد ۴۰۸ الی ۴۱۱ به تشکیلات این دادگاه و مواد ۴۱۲ الی ۴۱۷ این قانون به ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال پرداخته است. براساس ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی اعم از دختر و پسر که نوجوان نامیده می‌شوند، در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. مگر در مورد ماده ۳۱۵ که در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان و در مورد ماده ۵۵۹ راجع به نظامیان کمتر از هجده سال تمام شمسی در سطح بین‌المللی، نیز کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، به‌عنوان یک سند الزام‌آور برای اعضا در بند ۷ ماده ۴۰ خود تأکید کرده که تمام مراحل رسیدگی به جرایم اطفال به‌صورت محرمانه (غیرعلنی) خواهد بود. همان‌طور که قبلاً گفته شد، ایران نیز در اسفندماه ۱۳۷۲ به این کنوانسیون ملحق شده و متعهد به اجرای مفاد آن در حقوق داخلی شده

نیز به‌شمار می‌رود. اما باید گفت قانون‌گذار در این راستا موفق عمل نکرده؛ زیرا نه تنها مفهوم نظم‌عمومی را روشن نکرده، بلکه در کنار اصطلاح کلی امنیت از احساسات مذهبی نیز سخن گفته است. نظم‌عمومی، مدلول مقرراتی است که در آن ذاتی حیثیت و منافع مادی و معنوی جامعه باید مورد حمایت جدی قرار گیرد. در صورت برهم زدن نظم‌عمومی، وجدان جامعه جریحه‌دار می‌گردد؛ بنابراین باید برای حفظ آن اقدامات الزام‌کننده یا بازدارنده شایسته در نظر گرفت. موضوع نظم‌عمومی، مفهوم کش‌داری است که ممکن است دادگاه‌ها برای انجام بسیاری از محاکمات مورد استفاده قرار دهند و اصل علنی بودن را تحت الشعاع قرار دهند؛ بنابراین باید مصادیق آن به‌طور واضح روشن گردد تا فقط آن قسمتی که حقاً داخل در موضوع استثناء است، ملاک تشخیص برای رئیس دادگاه باشد. قواعد نظم‌عمومی نوعاً برای حفظ امنیت، تأمین آسایش عمومی، بهداشت عمومی و رعایت اخلاق حسنه است (هاشمی، ۱۳۹۰: ۴۱۰).

در این موارد، علنی‌بودن محاکمات، بیشتر اوقات با امنیت عمومی و اخلاق حسنه منافات دارد؛ بنابراین نباید دامنه شمول استثنائات مذکور را وسیع و گسترده دانست. در این موارد دادگاه‌ها باید به هنگام اتخاذ تصمیم و اعلام سری بودن جلسه دادرسی، دلایل کتبی قانع‌کننده ارائه دهند. در مورد جرایم مرتبط با امنیت باید گفت، زیان برگزاری علنی دادرسی بیش از منافع آن است؛ زیرا رسیدگی به برخی از این جرایم، مثل جاسوسی، گاه مستلزم طرح و بررسی اطلاعات طبقه بندی‌شده مربوط به کشور است که آگاهی عموم از آن‌ها به صلاح حفظ و نگهداری آن اطلاعات نیست (خالقی، ۱۳۸۳: ۱۹۹). یا مثلاً هرگاه رسیدگی به اتهام یک‌چهره شناخته‌شده در کشور به‌صورت علنی، منجر به تظاهرات، آتش زدن وسایل نقلیه و بروز ناآرامی در کشور گردد، می‌توان برای حفظ نظم‌عمومی و جلوگیری از اخلال در امنیت، رسیدگی را غیرعلنی اعلام کرد (محبی، ۱۳۹۲: ۵۴).

به‌عنوان یک نکته مهم باید گفت مصادیق جرایم مخل امنیت تا حدودی روشن است، ولی تعیین مصادیق جرایم مخل احساسات مذهبی و قومی مردم مشکل است؛ زیرا احساسات

۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نیز آمده است.

در کمیته سوم مجمع عمومی ملل متحد، هنگام تهیه پیش‌نویس ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، نماینده فرانسه، هدف این اصل را در عبارتی کوتاه و پرمغز چنین خلاصه کرد: عدالت نباید سری باشد. علاوه بر هدف کنترل دموکراتیک مردم، اندیشه منطقی بهتر یافتن حقیقت نیز در شرط علنی بودن محاکمه نهفته است، و به تعبیر آنتونیو کاسسه، یک اصل کلی حقوق کیفری جدید است، که وسیله‌ای برای تأمین بهتر دادرسی عادلانه، تحت نظارت عموم، به ویژه رعایت حقوق متهم و بی‌طرفی در روند دادرسی و در کل امنیت قضایی است (Cassesse, 2003: 397).

مواد ۱۴ میثاق یادشده و ۶ کنوانسیون اروپایی هر دو در بند ۱ خود، علنی بودن استماع دعوا و اعلان حکم را برای دعاوی مدنی و قضایای کیفری، هر دو، لازم می‌شمرند. اما بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی، علنی بودن محاکمه را تنها برای محاکمات کیفری شرط کرده است، که شاید ناشی از تفاوت میان قضایای کیفری و دعاوی مدنی از یک سو و فلسفه علنی بودن دادرسی از سوی دیگر است. چه اینکه دعاوی مدنی اصولاً به حقوق و تکالیف اصحاب دعوا مربوط است، ولی قضایای کیفری به منافع عمومی ارتباط دارد، از طرفی اصل علنی بودن صرفاً حق طرفین نیست که قابل اعراض باشد، بلکه حق مردم یک جامعه است (صبری، ۱۳۹۴: ۵۶).

درست است که بند ۱ ماده مورد بحث تحت شرایطی غیر علنی بودن جلسات دادگاه را تجویز نموده است؛ اما باید توجه داشت در غیرموارد و شرایط استثنایی مذکور علنی بودن محاکمه ضروری است همچنین باید دانست که حتی در موارد سری بودن محاکمه نیز صدور حکم نهایی دادگاه باید به صورت علنی باشد. از سوی دیگر، علنی بودن محاکمه را نمی‌توان به اجازه ورود به گروه خاصی از افراد محدود نمود (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۲۶).

باید توجه داشت که از نظر این کمیسیون حتی در موارد سری بودن محاکمه نیز؛ صدور حکم نهایی دادگاه باید علنی

است، بنابراین باید کوشش خود را جهت وضع قوانین برای تشکیل مراجع قضایی ویژه رسیدگی به جرایم اطفال به کار بندد. یکی از سیاست‌های افتراقی که در مورد آیین دادرسی جرایم اطفال مورد توجه قانون‌گذار ما نیز قرار گرفته است، غیر علنی بودن رسیدگی به جرایم اطفال می‌باشد. ماده ۴۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در این مورد مقرر می‌دارد: «در دادگاه، اطفال و نوجوانان، والدین، اولیاء یا سرپرست طفل و نوجوان، وکیل مدافع، شاکی، اشخاصی که نظر آنان در تحقیقات مقدماتی جلب شده، شهود، مطلعان و مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی حاضر می‌شوند. حضور اشخاص دیگر در جلسه رسیدگی با موافقت دادگاه بلامانع است». باید گفت در محاکمه کیفری کودکان بزهکار، علنی بودن رسیدگی، تعدیل می‌شود. بدین‌سان، تصمیم‌گیران سیاست جنایی برای حفظ حریم خصوصی کودکان و جلوگیری از زدن برچسب مجرمانه به این دسته از بزهکاران، غیر علنی بودن محاکمات کیفری را در شمار تضمین‌های دادرسی عادلانه قرار می‌دهند (خواججه‌نوری، ۱۳۸۸: ۲۶۹). همچنین باید گفت انتشار اخبار محاکمه در رسانه‌ها و واکنش مردم جامعه، موجب سلب اعتماد به نفس طفل می‌گردد و آنگاه در مسیر اصلاح و تربیت او معضلات اساسی به وجود می‌آید. بنابراین علنی برگزار کردن محاکمه طفل، به صلاح او نیست و آثار منفی و جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت.

۴- دادرسی علنی در اسناد حقوق بشری و استثنائات آن

بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بیان می‌دارد: «هرکس حق دارد که اتهام وارد بر او یا اختلافات مربوط به حقوق و تعهدات وی در یک محاکمه منصفانه و علنی توسط دادگاهی صالح، مستقل و بی‌طرف که براساس قانون تشکیل شده مورد رسیدگی واقع شود ممکن است تمام یا قسمتی از محاکمه به منظور مراعات اصول اخلاقی، نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک مصالح زندگی خصوصی اصحاب دعوی و نیز در موارد خاصی که به تشخیص دادگاه علنی بودن محاکمه، مضر به مصالح مربوط به اجرای عدالت می‌گردد، غیر علنی باشد. در هر حال حکم صادر شده در امور جزایی یا حقوقی علنی خواهد بود؛ مگر اینکه مصالح مربوط به صغار مقتضی خلاف آن باشد یا محاکمه مربوط به اختلافات زناشویی یا سرپرستی اطفال باشد». همین مضمون در بند ۱ ماده

درخصوص چگونگی برگزاری جلسات دادرسی در شرایط خاص و استثنایی به صورت غیرعلنی امکان پذیر است. به این ترتیب، هیچ ممنوعیتی در برگزاری علنی رسیدگی‌ها وجود نداشت (Prosecutor v. Nahimana, 2001:25).

در بند ۲ ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و بند ۲ ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا با عباراتی یکسان متهم را مستحق دادرسی علنی دانسته‌اند. در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز در بند یک ماده ۹۷ به این اصل اشاره شده است. در بند ۳ ماده ۱۳۷ آیین دادرسی و ادله نیز آمده است که شعبه دادرسی می‌تواند به اشخاص اجازه تهیه عکس موارد ضبط شده سمعی و بصری و دیگر وسایل ضبط صوت یا تصویر را بدهد (Safferling, 2001:239).

بر اساس ماده ۷۹ قواعد دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، اخلاق، نظم عمومی، سلامت و امنیت، و عدم افشای هویت قربانی یا شهود و همچنین حمایت از مصالح عدالت، از مواردی شناخته شده‌اند که دادگاه می‌تواند به استناد آن‌ها دستور غیرعلنی بودن دادرسی را صادر نماید.

در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز دادگاه می‌تواند به دلیل حمایت از شهود، تصمیمی برخلاف آن اتخاذ نماید. در بند ۲ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده است: «به عنوان استثنایی بر اصل علنی بودن جلسات دادرسی که در ماده ۶۷ مقرر گردیده و به منظور حفظ مجنی‌علیه‌ها شهود و یا متهم می‌توان هر مرحله‌ای از مراحل دادرسی را به صورت غیرعلنی برگزار نمود و یا اجازه داد که ارائه ادله از طریق وسایل الکترونیکی با سایر وسایل خاص صورت گیرد (علیزاده، ۱۳۹۷: ۹۹).

همچنین در ماده ۷۸ قواعد دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی نیز مقرر شده است: «رسیدگی‌ها به صورت علنی است مگر آنکه ترتیب دیگری پیش‌بینی شود». چنین ترتیبی به ویژه در مورد مجنی‌علیه جرم تجاوز جنسی و طفلی که قربانی جرم تجاوز یا شاهد آن بوده است انجام می‌پذیرد مگر آن که دیوان با لحاظ کلیه جوانب امر خصوصاً نظرات مجنی‌علیه یا شاهد

باشد؛ مگر اینکه مصالح مربوط به صغار مقتضی خلاف آن باشد و یا محاکمه مربوط به اختلافات زناشویی یا سرپرستی اطفال باشد.

از بررسی رویه دیوان اروپایی حقوق بشر چنین استنباط می‌شود که فقدان رسیدگی علنی در دیوان کشور موجب نقض ماده ۱۱ کنوانسیون (الزام به علنی بودن دادرسی) نیست در ارتباط با مرحله تحقیقات مقدماتی و بازپرسی نیز همین موضع از سوی دیوان اتخاذ شده است؛ زیرا در رأی ساتر، دیوان متذکر این مطلب شده است که شیوه‌های اعمال بند یک ماده ۱ به ویژگی هر مرحله از رسیدگی بستگی دارد و تردیدی نیست که غیرعلنی بودن تحقیقات مقدماتی هم به کشف حقیقت کمک می‌کند و هم منافع خود متهم را که ممکن است از اتهام وارد بر خود برائت حاصل کند، در بردارد (آشوری و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۴۳).

به طور کلی با ملاحظه کنوانسیون‌ها و اسناد حقوق بشری می‌توان گفت که استثناء دادرسی در موارد زیر می‌تواند به صورت غیرعلنی برگزار شود. الف، در مواردی که از لحاظ اخلاقی علنی بودن دادرسی صحیح نیست، نظیر جرایم جنسی ب، در مواردی که علنی بودن دادرسی با نظم عمومی مغایرت داشته باشد. منظور از نظم عمومی نیز امنیت ملی و یا نظم و امنیت دادگاه است. از دیدگاه حقوق بین‌المللی کشورها از صلاحیتی بی‌قید و شرط در تعریف و تعیین مصادیق امنیت ملی برخوردار نیستند بلکه صرفاً اعمالی که اهداف آن‌ها لطمه به موجودیت کشور و یا تمامیت ارضی باشد. اعم از این که از طرف یک عنصر خارجی باشد یا داخلی، اعمال خلاف امنیت ملی به حساب می‌آیند ج، جایی که مصلحت اطفال و جوانان و یا در یک دعوی خصوصی مصلحت طرفین دعوی، اقتضای غیرعلنی بودن را داشته باشد د، در مواردی که به زعم دادگاه علنی بودن دادرسی سبب لطمه به عدالت خواهد بود (خالقی، ۱۳۸۳: ۴۸).

۵- دادرسی علنی در حقوق کیفری بین‌المللی و استثنائات آن

در منشورهای دادگاه‌های نظامی بین‌المللی نورمبرگ و توکیو از اصل دادرسی علنی خبری نبود. تنها در ماده ۷ از قواعد دادرسی دادگاه نورمبرگ مقرر شده بود که تصمیم‌گیری

شعبه می‌تواند براساس درخواستی بر مبنای پاراگراف ۱ جلسه غیرعلنی برگزار نماید و اقداماتی را انجام دهد که هویت یا مکان قربانی، شاهد یا شخصی که به دلیل شهادت یکی از شهود و از طریق انتشار عمومی یا از طریق بنگاه‌های مطبوعاتی در خطر است فاش نگردد.

در دیوان کیفری بین‌المللی ماده ۶۸ اساسنامه و قاعده ۸۶ آیین دادرسی و ادله به مسأله حمایت از قربانیان و شاهدان می‌پردازد و اقدامات حفاظتی در بند ۲ ماده ۶۸ اساسنامه و بند ۳ قاعده ۸۷ و بند ۵ قاعده ۸۸ آمده است. نکته‌ای که در مورد بند ۲ ماده ۶۸ اساسنامه وجود دارد این است که در صورت شهادت کودک، اقدامات حفاظتی همیشه باید انجام شود، مگر اینکه دادگاه دستور دیگری داده باشد. طبق این قانون، طرف دعوی نیازی به درخواست برای آن‌ها ندارد، زیرا این اقدامات به صورت خودکار اجرا خواهند شد، مگر اینکه دادگاه بعد از در نظر گرفتن نظرات کودک تصمیم دیگری بگیرد.

حفاظت از اطلاعات محرمانه و حساس از دیگر استثنائات دادرسی علنی در دیوان کیفری بین‌المللی است. در صورتی که در طول جریان دادرسی در دیوان اطلاعات محرمانه ملی مطرح می‌گردد و این امر بنابه تشخیص و صلاحدید آن دولت به منافع امنیت ملی آن لطمه وارد آورد. یکی از تدابیری که به منظور پیشگیری از این صدمه در نظر گرفته شده است، استفاده از جلسات غیرعلنی برای بررسی آن اطلاعات است. طبق بند (د) پاراگراف ۵ ماده ۷۲ اگر به نظر دولتی، افشای اطلاعات به منافع امنیت ملی آن دولت لطمه وارد نماید، تدابیری از جمله استفاده از جلسات غیرعلنی یا یک‌جانبه قابل اتخاذ است.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به بررسی این سؤال پرداخته شد که دادرسی علنی در فقه‌جزایی، حقوق کیفری ایران، اسناد حقوق بشری و حقوق کیفری بین‌المللی با چه استثنائات مواجه است؟ نتایج نشان داد در فقه از استثنائات دادرسی علنی سخنی به میان نیامده است. در حقوق کیفری ایران در مواردی چون دعای خصوص و خانوادگی، دعای منافی عفت و اخلاق عمومی، دعای اطفال و امنیت عمومی و احساسات مذهبی یا قومی به

شکل دیگری را مقرر دارد مشابه همین مطلب نیز در اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا پیش‌بینی شده است که انجام محاکمه سری را تنها در صورت ضرورت و به دلیل لزوم حمایت از قربانیان و شهود قابل اعمال دانسته است (تقی‌پور، ۱۳۸۵: ۱۵۶).

در بند ۲ ماده ۷۲ آیین دادرسی و ادله دیوان آمده است که شعبه، در اتخاذ تصمیم که آیا ادله مورد اشاره در این ماده در خصوص خشونت‌های جنسی دارای ارتباط با قابلیت استماع است، جلسه‌ای را به صورت غیرعلنی در خصوص نظرات دادستان وکیل مدافع شاهد و قربانی یا نماینده قانونی‌اش برگزار می‌کند و شعبه این موضوع را که آیا ادله دارای حد کافی ارزش اثبات‌کننده مسأله در این قضیه می‌باشند و همچنین لطمه‌ای را که چنین ادله‌ای ممکن است مطابق بند ۴ ماده ۶۹ اساسنامه وارد کنند مدنظر قرار دهد.

همچنین بر اساس ماده ۷۳ این آیین دادرسی دیوان یک سری اطلاعات و ادله را که واجد وصف محرمانه هستند افشاء نمی‌کند و در محاکمات علنی اعلام نمی‌کند از جمله این اطلاعات می‌توان به اظهاراتی اشاره کرد که در چارچوب رابطه شغلی بین متهم و پزشک یا روان‌پزشک یا وکیل او صورت گرفته، به‌ویژه آن‌هایی که در رابطه با بزه دیده است و یا اظهارات صورت گرفته نزد مقام مذهبی به عنوان اقرار مذهبی صورت گرفته باشد و یا ادای شهادت مقامات صلیب سرخ و هلال احمر که محرمانه تلقی می‌شوند (سلیم‌پور، ۱۳۹۷، ۱۲۷). در دیوان کیفری بین‌المللی طبق پاراگراف ۳ قاعده ۸۷، شعبه دیوان بر اساس پیشنهاد دادستان و متهم یا درخواست شاهد می‌تواند یک جلسه مقدماتی غیرعلنی برگزار کند تا در خصوص اتخاذ تدابیر مربوط به پیشگیری از افشای هویت یا موقعیت قربانی، شاهد یا شخص دیگری که به دلیل گواهی ارائه شده شاهد در معرض خطر قرار گرفته در سطح جامعه یا رسانه‌ها تصمیم‌گیری نماید و دستوری صادر کند. از جمله اینکه، نام قربانی، شاهد یا شخص دیگری که به سبب گواهی ارائه شده توسط شاهد در معرض خطر می‌باشد یا هر اطلاعاتی که می‌تواند منجر به شناسایی هویت وی شود، از سوابق عمومی شعبه حذف شود. مطابق بند قاعده ۸۷

صلاح‌دید قاضی دادگاه، رسیدگی غیرعلنی برگزار می‌شود. در اسناد حقوق بشری، مصالح اخلاقی، نظم عمومی و امنیت ملی از استثنائات دادرسی علنی است. در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز، حمایت از شهود و بزه‌دیده و حفاظت از مدارک از مهمترین استثنائات دادرسی علنی است. حمایت از شهود و قربانیان و متهمین استثنای مهمی است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر صریحاً یا ذیل عنوان کلی مصالح عدالت یا منافع دادگستری موردتوجه قرار گرفته است. جای این استثنا که در برخی از پرونده‌ها کاربرد زیادی دارد، در قوانین کشور ما خالی است. قانون‌گذار باید این مورد را به‌عنوان یک استثنای مهم به‌جای استثنائاتی که به‌صورت کلی و غیرضروری در قانون آورده شده است، مدنظر قرار دهد.

در حقوق کیفری ایران، استفاده از عباراتی مانند اعمال منافی‌عفت، جرایم برخلاف اخلاق حسنه، احساسات مذهبی، نظم عمومی، دعاوی خصوصی و روابط خانوادگی در قوانین ایران مبهم و غیرشفاف هستند. استفاده از این عبارات کلی و مبهم، راه را برای این سوء استفاده حکومت‌ها از طریق برگزاری غیرعلنی جلسات رسیدگی باز می‌کند. یکی از نقاط ضعف قانون ایران، اعطای اختیارات زیاد به قاضی است؛ توضیح اینکه تشخیص علنی یا غیرعلنی بودن با قاضی است، بدون اینکه در صورت تشخیص قاضی مبنی بر غیرعلنی بودن رسیدگی کیفری، او ملزم به صدور قرار خاصی باشد. درست است که در اسناد بین‌المللی، نیز صریحاً به این موضوع اشاره نشده است، اما باید گفت که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، مسائل اساسی و مهم به‌صورت کلی مطرح می‌گردد و کشورهای عضو باید در جهت هم‌سویی با آن‌ها، قوانین داخلی را به‌گونه‌ای تنظیم نمایند که اجرای این مقررات را به نحو احسن تضمین کنند. قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص دارای اشکال است. بنابراین شایسته است که قانون‌گذار، دقیقاً محدوده و مصادیق این عبارات را مشخص کند تا فقط در این موارد خاص، جلسات به‌صورت غیرعلنی برگزار گردد. همچنین باید گفت در دعاوی خصوصی و روابط خانوادگی، اولاً نباید تشخیص دادگاه را درخصوص علنی بودن یا نبودن مدنظر قرارداد؛ به عبارت دیگر باید، به خواسته

اصحاب دعوا توجه کرد. ثانیاً باید حتی به درخواست یکی از طرفین نیز در این موارد جلسات را به‌صورت غیرعلنی برگزار کرد و نیازی به درخواست هر دو طرف نمی‌باشد و شایسته است قانون‌گذار ایران نیز نسبت به اصلاح این موارد اقدام کند. پیشنهاد می‌گردد که اختیار قاضی در این خصوص محدود گردد؛ بدین‌صورت که در صورت تشخیص قاضی مبنی بر غیرعلنی بودن رسیدگی، او موظف به صدور قرار خاص قابل‌اعتراضی در این خصوص باشد تا زمینه سوءاستفاده فراهم نگردد. باید استثنائات به‌نحو مضیقی تفسیر شود و به‌خصوص در مواردی مانند مصلحت عدالت یا نظم عمومی که واژگان مبهم است، گونه‌ای تفسیر نشود که گویی استثنائات اصل است و علنی بودن دادرسی استثنا قلمداد گردد. همچنین در مواجهه با استثنائات اصل علنی بودن دادرسی، غیرعلنی کردن، جلسات به‌عنوان آخرین راه‌حل اعمال گردد و تنها در موارد خیلی ضروری و در صورت عدم پاسخ‌گویی دیگر اقدامات بکار گرفته شود.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نفر اول به‌عنوان نویسنده اصلی و نفرات بعدی به‌عنوان همکار عمل کرده‌اند.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- آخوندی، محمود (۱۳۹۳). *آیین دادرسی کیفری*، جلد چهارم، چاپ بیستم، تهران: شهر دانش.

- آخوندی، محمود (۱۳۸۲). «اثبات جرایم منافی عفت از نگاهی دیگر». *مجله زنان*، ۶(۲۲): ۱۰۷-۱۲۹.

- خواجه‌نوری، یاسمن (۱۳۸۸). «جلوه‌های دادرسی عادلانه در حقوق کیفری کودکان». مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

- رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷). کرامت انسانی در حقوق کیفری. چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- روحانی جنبه سرائی، اشکان (۱۳۹۶). «اصول حاکم بر روند دادرسی منصفانه در حقوق ایران و مصر». چهارمین کنفرانس جهانی و اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روان‌شناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی.

- سلیم‌پور، فاخته (۱۳۹۷). لوازم و استثنائات اصل علنی بودن رسیدگی در حقوق و رویه محاکم کیفری بین‌المللی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

- صبری، محمد (۱۳۹۴). محتسای قانون آیین دادرسی کیفری. چاپ اول، تهران: انتشارات فردوسی.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۱). المبسوط. جلد هشتم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷). الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- علیزاده، ناصر (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی اصل علنی بودن رسیدگی کیفری در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بندر لنگه: دانشگاه آزادی اسلامی.

- فضائی، مصطفی (۱۳۸۸). دادرسی عادلانه (محاکمات کیفری بین‌المللی). چاپ دوم، تهران: انتشارات شهر دانش.

- فضائی، مصطفی (۱۳۹۳). «جایگاه و اصول دادرسی عادلانه در حقوق بشر و دکترین قضایی اسلام». مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱: ۱۵۹-۱۷۸.

- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر (دفتر دوم جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها). چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.

- آشوری، محمد و دیگران (۱۳۸۳). حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشکده حقوق.

- ایرانی ارباطی، بایک (۱۳۸۶). مجموعه نظریه‌های مشورتی جزایی. جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.

- تقی‌پور، علیرضا (۱۳۸۵). حقوق متهم در دادرسی کیفری بین‌المللی. پایان‌نامه دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- جزایری، سیدعباس (۱۳۹۸). امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر. چاپ سوم، تهران: سامان دانش.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۰). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- حاجی‌پور، علی و همکاران (۱۳۹۸). «تأملی در موانع تحقق اصل علنی بودن دادرسی‌ها در حقوق ایران». فصلنامه حقوق عمومی، ۴۹ (۴): ۱۱۷۷-۱۱۷۸.

- خاکزاد، محسن (۱۳۸۹). «موازن حقوق بشری و تقابل منافع فرد و جامعه در فرایند کیفری». پژوهش‌نامه حقوقی، ۱۱ (۱): ۱۹-۴۰.

- خالقی، علی (۱۳۹۸). نکته در قانون آیین دادرسی کیفری. چاپ سوم، تهران: نشر شهر دانش.

- خالقی، علی (۱۳۸۳). «اصل علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی». مجله پژوهش‌های حقوقی، ۳ (۵): ۲۹-۴۹.

- خدانی، وحید؛ کریمی، قوام و عامری نیا، محمدباقر (۱۴۰۰). «اصل علنی بودن دادرسی در حقوق ایران، فقه اسلامی و حقوق انگلیس». مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۷ (۶۵): ۱۱۶-۱۳۶.

- گلدوست جویباری، رجب (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات جنگل.
- محبی، علی (۱۳۹۲). «بررسی انتشار جریان دادرسی در حقوق ایران و انگلیس». پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۷۳). «حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن». پایان‌نامه دوره دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی، (۱۳۷۹). «اصول دادرسی کیفری از دیدگاه امام علی (ع)». *مجله مصباح منیر*، ۳۴: ۲۵-۴۰.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۹۲). *جواهر الکلام فی شرح و الشرائع الاسلام*. جلد دوازدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۰). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (حاکمیت و نهادهای سیاسی)*. جلد دوم، چاپ بیستم، تهران: انتشارات میزان.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۷). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. جلد دوم، چاپ دهم، تهران: نشر دادگستر.

ب. منابع انگلیسی

- Cassese (2003). *International Criminal Law*. Oxford: OUP.
- Prosecutor v. Nahimana, (2001). para 25.
- Safferling, Ch (2001). *Towards an International Criminal Procedure*. Oxford: Oxford University Press.